

The Religious Justifications for the Preservation of Cultural Heritages

Hossein Azizi*

Assistant Professor, University of Isfahan, hosn.azizi@gmail.com

Abstract

Each cultural heritage was at a time considered to be a significant phenomenon causing it to last to the present time. Accordingly, letters, old contracts, tablets, sculptures, roles, signs, buildings, and the like can be referred to as "objective history" or lasting ones, against "scientific history." Objective or ever-lasting history is a bridge between the past to the future. This study, by using descriptive and historical methods via documentary and library resources, sets out to investigate the Islamic foundations and underpinnings of the necessity for the preservation of objective history; namely, historical monuments. Various Quran verses as well as religious narrations and sayings are interpreted as highly recommending for the preservation of both objective and scientific history. There are ten foundational and pivotal theoretical basis for the preservation of cultural heritages including the tradition of writing and narration, the status of tourism and scientific tour in Islam, the right path of conservation of the historical heritages left from the past kings and emperors, reflection over the story of saving the body of Pharaoh from the sea, the need for drawing on prophetic traditions, the practical approach of religious scholars toward statutes and carved figures belonging to pre-Islamic history, the right path of endowment in Islam (vaqf), and fundamental status of mosques and temples in Islamic school of thought. It seems that on this basis, the Prophet and his chosen followers and past jurists had not ordered the destruction of any historical works other than idols. Additionally, at the beginning of Islam, the currency in circulation among Moslems in Mecca and Medina, Iraq, and Syria were the Roman and Persian coins for over a decade. In sum, if the need for preserving the ancient heritage is taken as an acceptable notion of progress, this study intends to display a link between Islamic traditions and the concepts of development and progress.

Key words: History of Islam, Historical Work, Historical Heritage, Kasra Palace, Endowment, Mosque, Pilgrimage, Jurisprudence

* Corresponding author

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم
شماره دوم (پیاپی ۳۴)، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۸۱ - ۲۰۰
تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۲/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۴

مبانی فقهی لزوم صیانت از آثار تاریخی

حسین عزیزی *

چکیده

هر اثر و میراث تاریخی در روزگاری پدیده‌ای بوده که تاکنون ماندگار شده است. براین اساس مکاتبه‌ها، تعهدنامه‌ها، لوح‌ها، مجسمه‌ها، نقش‌ها، نشانه‌ها، بناها و مانند این را می‌توان تاریخ عینی یا ماندگار، در برابر تاریخ علمی، نامید. تاریخ عینی و ماندگار پل‌های ارتباطی دیروز و امروزند. این گفتار با روش توصیفی و تاریخی و بر پایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای، به دنبال مطالعه درباره مبانی دینی و اسلامی صیانت از تاریخ عینی، یعنی آثار و ابنیه تاریخی، است. مضمون آیات و روایات و اخبار آن است که دیانت اسلام به هر دو مفهوم تاریخ علمی و تاریخ عینی اهتمام بسیاری داشته است. مبانی ده‌گانه مهم و مؤثر فقهی در لزوم و ضرورت صیانت از میراث تاریخی عبارت‌اند از: سنت کتابت و روایت، جایگاه گردشگری و سیر علمی در اسلام، سیره سلف صالح در صیانت از آثار تاریخی برجای مانده از پادشاهان، لازمه امر به تأسی بر سنت اولیاء، آثار اجتماعی و تاریخی سنت زیارت و تبرک، مواجهه عملی فقها با تصاویر و پیکرهای برجامانده از ماقبل اسلام، اقتضای عملی سنت وقف و نیز شأن ذاتی مسجد و معبد در اسلام مبانی. به نظر می‌رسد بر همین اساس بود که پیامبر(ص) و اصحاب برگزیده ایشان و فقهای گذشته، به جز بت‌ها، به تخریب و انهدام هیچ اثر تاریخی دستور ندادند؛ حتی سکه‌های منقوش ایرانی و رومی ده‌ها سال نقد رایج مکه، مدینه، عراق، مصر و شام بود؛ بنابراین اگر ضرورت حفظ، انتقال، ازدیاد و بهره‌مندی از آثار نیاکان را تفسیری پذیرفتنی از مفهوم پیشرفت بدانیم، این گفتار درصدد نشان‌دادن پیوند مبانی و سنت‌های اسلامی با مفهوم توسعه و پیشرفت نیز هست.

واژه‌های کلیدی: تاریخ اسلام، اثر تاریخی، ایوان کسری، وقف، مسجد، زیارت، فقه.

* استادیار دانشگاه اصفهان، hosn.azizi@gmail.com، نویسنده مسوول

مقدمه

خوانش جدیدی از هنر و تاریخ قرائت قرآن در دیروز و امروز است.^۲

فرضیه پژوهش آن است که دیانت اسلام، یعنی آیات کتاب و سنت و سیره صالحان، هم‌زمان به سیر گردش ذهنی و عینی تاریخ و مطالعه و نظر در آیات آفاق و انفس و نیز به ضرورت ثبت و صیانت میراث گذشتگان فراخوانده است. این فرضیه در مطالعات زیر بررسی خواهد شد:

کتابت علم

شاید در تشویق به ثبت و ضبط میراث علمی بشر، هیچ کلیدواژه‌ای به رسایی اصطلاح تقییدالعلم نرسد. شایسته است تقییدالعلم را که سرخط همه روایات دال بر تشویق و رونق سنت کتابت در عصر نبوی است، نقطه عطف فقه‌الکتابه بنامیم. از آنجاکه برای رهبران و جامعه شیعی سنت کتابت رویه‌ای پذیرفته شده و مسلم بوده است، فقه‌الکتابه مانند فقه الفتوح، در کانون توجه فقها و محدثان شیعه قرار نگرفت. البته باید رگه‌هایی از پژوهش‌های عالمانه را در باب کتابت حدیث در کتاب‌های علم الحدیث، به‌ویژه در کتاب‌های اللماح إلی معرفه أصول الروایة و تقیید السماع، قاضی عیاض مالکی (۷۹ تا ۵۴۴ هـ/ق ۱۰۸۶ تا ۱۱۴۹ م) و ادب‌الاملاء و الاستملاء سمعانی مروزی (۵۶۲ هـ/ق ۱۱۶۶ م) جستجو کرد.

در هر حال، در عصر پیامبر و پس از آن، سنت کتابت در میان طیف بزرگی از صحابه و تابعین و اتباعشان معروفی اجتماعی و امری پذیرفته شده بود. در نیمه قرن دوم، اجماع علمای اسلام بر تدوین حدیث نشان داد که اقدام یک جانبه عمر بن خطاب، باوجود مخالفت دیگر صحابه، ناتمام و غیرموجه بوده است و از همه مهم‌تر اینکه به همه این اختلافات در باب سنت تدوین پایان داد. کتاب تقیید العلم خطیب بغدادی (۶۳ ق / ۱۰۷۰ م) که در آن به تجمیع روایات کتابت پرداخته است، شاید گزارش تا

این پژوهش در نظر دارد با تکیه بر آموزه‌ها و سنت‌های اسلامی، بر ضرورت حفظ میراث و آثار تاریخی که ما آن را تاریخی عینی یا تاریخی ماندگار می‌نامیم، تأکید کند. این همان است که از آن به‌عنوان مبانی یاد می‌شود. مبانی جمع مبنای اساس و شالوده هر چیز را می‌گویند. مبانی در اینجا، دلایل و استدلال‌های به‌کاررفته برای موجه و مستدل کردن یک قضیه است.

ضرورت حفظ تاریخ عینی یا اعیان تاریخی شاید در ابتدا بدیهی می‌نماید؛ اما گذشته اسف‌بار مسلمانان در حفظ آثار و نیز در وضع حال جهان مسلمانی که قرائت خشن و تقلیل‌گرای سلفیت افراطی و مرتجع هم‌زمان، به جنگ با تاریخ علمی و عینی برخاسته و درصدد محو آثار تاریخی انسان و اسلام‌اند، نیازمند بازخوانی مجدد است.^۱ سابقه این بازخوانی تاجایی که آگاهی دارم، با توجه به مؤلفه‌های خاص و زاویه نگاه، در نوع خود ناشناخته است؛ بنابراین، نویسنده پیشینه‌ای برای این پژوهش نمی‌شناسد.

مفروض پژوهش آن است که اسلام به ذات خود، دین فرهنگ و دولت و تمدن است. کانون نرم‌افزاری این فرهنگ، قرآن کریم است که البته، خود پدیده‌ای است و اثری جاوید و تاریخ عینی و ماندگار «إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (الحجر، ۹). این ماندگاری، افزون‌بر امدادهای غیبی، وابسته به زنجیره تاریخی قرائت و قاریان قرآن کریم است. به نظر می‌رسد که این سلسه در صیانت قرآن از تحریف، یکی از مهم‌ترین نقش‌ها را بازی کرده است. شاید نتوان کتابی به مانند قرآن یافت که پیوستگی تلاوت و ترتیل آن این چنین واقعی و شناخته شده باشد. ابن‌الجزری (۸۳۳ ق/۱۴۲۹ م) در غایة‌النهایه فی طبقات‌القراء، در مقایسه با پیشینیان خود، بازخوانی جامع‌تری از این سلسه دارد. کتاب نو پدید هنر قرائت قرآن اثر کریستیانلسون (Kristia, Nelson) نیز،

خوریم که در همه آن‌ها، مفهوم جابه‌جایی و رفتن و گذر کردن و ترک وطن دیده می‌شود. اما در میان این کلیدواژه‌ها، قرآن کریم آنگاه که به مطالعه هدفمند سرگذشت جهان و انسان دعوت کرده است، فقط از مشتقات واژه «سیر» در قالب دستور یا استفهام تأکیدی سود جسته است: «سیرُوا، اَقْلَمَ یَسیرُوا».

مشتقات سیر ۲۷ بار و در ۲۵ آیه از آیات مکی و مدنی قرآن، به صورت فعلی و وصفی و نیز امر و استفهام، به کار رفته است. کاربردهای این مشتقات نشان می‌دهد که «سیر» ناظر به شدن و گردش آگاهانه و با اختیار و هدفمند است که با اراده فاعلی آگاه اتفاق می‌افتد. از این رو، سیر جبال یا سیر آدمیان در خشکی و دریا به خداوند نسبت داده شده است یا با فعل مجهول آمده است که ناظر به نقش فاعل اصلی، یعنی خداوند بزرگ، است؛ نیز آنجاکه از سیره و شمایل عصای موسی یاد کرده است، سیرت آن را به خداوند دانای توانا نسبت داده است. از همین رو، به قافله یا فردی از قافله مصر که یوسف را از چاه برگرفت و به فروش رساند، سیاره گفته شده است. باید گفت که مفهوم واژه نوپدید توریسم^۵ (جهانگردی) تا حدی به مفهوم سیر در قرآن نزدیک است؛ اما اینکه در فرهنگ فارسی، جهانگردی به سیاحت ترجمه شده است و شماری از سفرنامه‌ها نیز عنوان سیاحت‌نامه یافته‌اند، سابقه چندانی ندارد و سیاحت را در قرآن نباید به مفهوم امروزی سیر هدفمند و جهانگردی دانست. البته مشتقات واژه سیح که در آیه‌ای به صراحت در مفهوم گردش به کار رفته است (توبه، ۲) به مفهوم سیر و گردشگری هدفمند در قرآن نزدیک نیست.

در ۱۴ آیه از قرآن کریم، به صورت سؤال تأکیدی یا صیغه سوم شخص امری، فرمان به سیر در زمین داده شده است. در همه این آیات، بلافاصله دستور به نظر در آفرینش دنیا و جهان آخرت و سرانجام گذشتگان

حدودی کامل از مجموع احادیث و اخبار کتابت در عصر اول باشد و همچنین تصویری را از ماجرای این اختلافات نشان دهد.

نویسنده در جای دیگر کوشیده است که به عدد بزرگی از علت‌ها و شواهد تاریخی دست یابد که همه آن‌ها به رونق و گستردگی سنت کتابت در صدر اسلام گواهی می‌دهند. امروز هر خواننده منصفی با دیدن و خواندن این اسناد می‌پذیرد که داستان منع کتابت علم در عصر پیامبر (ص) و پس از آن، تلاشی بی‌فرجام بوده است و به هیچ‌وجه نتوانسته است جلوی عطش علم‌آموزی و موج کتابت و دفترنویسی صحابه و تابعین و اتباع آنان را بگیرد. عمر بن خطاب در کنار دستور به «کتابت رسمی قرآن»، به انگیزه جلوگیری از خلط حدیث با قرآن، مانع از «کتابت رسمی» حدیث شد؛ اما به گواهی همه اسناد و روایات، این دستور هیچ‌گاه فراگیر نشد و جریان کتابت در خاندان پیامبر (ص) و دیگر صحابه و تابعین و اتباعشان همچنان تداوم یافت.^۳ با وجود این، آیا می‌توان نقش سنت و فقه‌الکتابه^۴ را در ثبت و ضبط بزرگ‌ترین میراث معنوی جهان اسلام، اعم از قرآن و حدیث و دیگر شاخه‌های علوم اسلامی و علوم دخیل، نادیده گرفت؟ این سنت مقدس زمانی که از اواخر سده دوم با گسترش صنعت کاغذسازی در پایتخت سیاسی دارالاسلام، یعنی بغداد، برخورد کرد، آغاز جنبش بی‌مانند ترجمه و تصنیف و تألیف را باعث شد. چنان‌که خواهیم گفت، به تدریج کتاب و کتابخانه با وقف و مسجد و مدرسه به هم آمیخت و بدین‌گونه، شانس بقای بیشتری یافت.

سیر و سیاحت

در قرآن کریم به بُن واژه‌ها و مشتق‌های مشابهی همچون «سیاحت»، «إسراء»، «سیر»، «هجرت»، «مور»، «سفر»، «حج»، «تقلّب فی الارض» و مانند آن‌ها بر می

به چشم می‌خورد؛ چنان‌که در آیه دیگری (یوسف، ۱۰۹)، به کار انداختن قدرت تعقل و حق‌شنوی هدف سیر و نظر در آثار دیگران دانسته شده است.

مفهوم اختیار و غایت‌مندی در مشتقات سری مانند اسراء و أسری نیز دیده می‌شود؛ اما تفاوت عمده مشتقات سیر و سری در قرآن کریم، در عام‌تر بودن مفهوم سیر از نظر گردش در روز و شب و اختصاص سری به سفر شبانه است. تفاوت دیگر آن است که به استثنای یک نمونه که آن هم درباره وصف شب آمده است، سری اغلب به صورت متعدی به کار رفته است؛ نیز آیات سری ظهور در سفر کالبدی و جسمانی دارد.^۶ اما آیات سیر ممکن است به سیر روحانی و عقلانی نیز اطلاق شود.

چنان‌که از آیات قرآن به دست می‌آید، واژه مرور فقط به مفهوم گذار است و هیچ قصد و هدفی در مفهوم آن نخواهید است. از این رو، در نمونه‌هایی همچون زندگی‌کردن مادر با جنین خود نیز به کار رفته است (الاعراف، ۱۸۹). جالب آنکه در قرآن کریم، مرور و گذر بی‌هدف و همراه با بی‌خبری نکوهش شده است و به‌طور ضمنی از مخاطبان می‌خواهد که از گذرگاه‌های زمین و آسمان بی‌خبر نگذردند و تأمل و نظر کنند. «وَ كَأَيِّن مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَ هُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ» (یوسف، ۱۰۵).

مشتقات هجر در ۱۷ سوره و ۲۷ آیه، ۳۱ بار در قرآن تکرار شده است. ماده هجر ناظر به ترک ارادی مبدأ کفر و ظلم برای مقصد خداپسندانه است. این مفهوم به‌طور تقریبی در تمام آیات یادشده دیده می‌شود؛ بنابراین، مفهوم گردشگری و جهانگردی در مشتقات هجرت نیز دیده نمی‌شود.

بنابراین چنان‌که اشاره شد، در قرآن واژه سیر نزدیک‌ترین واژه به مفهوم جهانگردی و گردشگری است. اکنون جای این پرسش است که معنا و مفهوم سیر در زمین چیست که قرآن بدان دستور اکید می‌دهد. بی‌شک

سیر در زمین سیر آگاهانه و علمی خواهد بود؛ سیری که سایر و گردشگر را با سرمشاهای آفرینش جهان و انسان (كَيْفَ بَدَأَ اللَّهُ الْخَلْقَ) و سرگذشت (كَأَنَّا أَكْثَرَ مِنْهُمْ قُوَّةً) و سرانجام پیشینیان آشنا کند (كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ). در این دو سیر، بسیاری از قلمروهای زمین شناسی، زیست‌شناسی، جغرافیای طبیعی و انسانی و قلمرو انسان شناسی مطالعه علمی می‌شود. به‌طبیع، باستان‌شناسی نیز به‌عنوان شاخه‌ای از انسان‌شناسی که درباره فرهنگ و میراث مادی انسان‌های ابزارساز و تاریخی مطالعه می‌کند، مشمول این قلمرو خواهد بود. به تعبیر قرآن، در این مطالعه کارنامه و گستره نیروی حیاتی انسان‌ها (كَأَنَّا أَكْثَرَ مِنْهُمْ قُوَّةً) و عاقبت آنان باید به دقت بررسی و شناخته شود (فَانظُرُوا) (ر.ک: حموی، ۱۹۹۵: ۷/۱؛ طبری، ۱۹۶۷: ۱۷/۹۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/۳ تا ۱۰۵؛ ۱۶۳/۵).

معلوم است که سرانجام اقوام تباه‌شده عصر نوح و قوم عاد و ثمود جز با مطالعه درباره آثار به‌جای‌مانده از ماجرای عبرت‌آموز هلاکت و مرگشان شناخته‌شده نیست و این کار از دانش باستان‌شناسی ساخته است. چه کسی قادر است منکر شود که سیر کنونی ناظری ژرف‌اندیش در کوچه پس‌کوچه مردان و زنان کشورها و شهرها و روستاهای امروز، سیری است در تاریخ و آثار پیشینیان آنان. در اندیشه و رفتار نسل امروز، بازتاب حیات تاریخی بشر از بازتاب اندیشه و اعمال گذشتگان در آثار به‌جای‌مانده دست کمی ندارد. برای مورخ کنجکاو، اندوخته‌های مادی و معنوی معاصران نشانه‌هایی از فرهنگ و حیات گذشتگان است و در آن، نوعی وحدت میان زندگی معاصران و پیشینیان یافت می‌شود.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چگونه برای همیشه، به آیات پرشمار سیر و سیاحت در قرآن جامه عمل بپوشانیم؟ چگونه مخاطبان قرن حاضر و نیز آیندگان را مانند مخاطبان مستقیم عصر قرآن، به تدام شناخت

قرآن کریم است و به گردشگری علمی و هدفمند در دیار و آثار پیشینیان دلالت دارد. معلوم است که سیر در دیار و آثار همان سیر جغرافیایی و سیر انسان‌شناختی و باستان‌شناختی است و سیر در «باشگاه انسان‌ها».

بنابراین می‌توان گفت که امیرمومنان علی (ع) اول به دو نوع مطالعه تاریخی سفارش کرده‌اند، مطالعه نظری در اخبار و مطالعه میدانی و عینی در دیار و آثار؛ دوم لازمه مطالعه نظری و عینی در اخبار و آثار را حفظ و صیانت از اخبار و آثار و انتقال آن‌ها به نسل‌های دیگر دانسته‌اند.

سیره فاتحان صدر اسلام

مورخان ذیل حوادث سال ۱۶ قمری نوشته‌اند سعد، فرزند ابی‌وقاص که فرماندهی سپاه فاتحان عرب را برعهده داشت، به همراه سلمان که پیشاهنگی سپاه و دعوت و تبلیغ را برعهده داشت، به کاخ سفید مدائن درآمد و این آیات سوره دخان را تلاوت کرد: «كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ وَ نِعْمَةٌ كَانُوا فِيهَا فَآكِهِينَ كَذٰلِكَ وَ اُوْرثْنَاهَا قَوْمًا ؕ اٰخِرِينَ» (دخان، ۲۵ تا ۲۸) و هشت رکعت نماز فتح در ایوان به جای آورد. او درحالی که قصد اقامت داشت و نماز را کامل می‌گزارد، نمازجمعه را در صفر سال ۱۶ قمری در این مکان اقامه کرد. بدین ترتیب، او ایوان خسرو را نمازگاه کرد و نگاره‌های برجسته مردان و اسبان را که بر دیوارهای کاخ بود، به حال خود واگذاشت و تغییر نداد.^۹

ابن عربی نقل می‌کند پس از آنکه حضرت علی (ع) به عراق درآمدند، وارد مدائن شدند و با دیدن ایوان کسری گریستند و آیه ۵۲ سوره نمل «فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» را تلاوت کردند و مجدد عظمت آیه را گوشزد کردند؛ سپس آیاتی را که سعد بن ابی‌وقاص در روز فتح خوانده بود، تلاوت فرمودند (ابن عربی، ۲۰۰۱: ۸۴/۲). از این

تاریخی فراخوانیم؟ به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش آن است که «فریضه مطالعه و نظر» را درباره تاریخ و آثار گذشتگان، مانند همه فرایض و آموزه‌های قرآن، ابدی بدانیم که می‌دانیم. نتیجه‌ای که از این نظریه گرفته می‌شود آن است که حفظ و حراست از میراث مادی و مکتوب گذشتگان تکلیفی الهی و همیشگی است.

اگر پیش از نزول قرآن، اثری از آثار حیات گذشتگان نبود یا دسترسی و نظر درباره آن‌ها ممکن و مشروع نبود، قرآن کریم در بیش از ۱۰ آیه^{۱۰} چنان تأکیدی نمی‌کرد و لزوم و ضرورت سیر تاریخی را قاعده همیشگی دینی نمی‌دانست. برای اهل قرآن هیچ تفاوتی میان آهنگ و معنای آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلٰی قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد، ۲۴) و کریمه «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُون لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا...» (انعام، ۴۶) نیست. قاریان فرهیخته هر دو فرمان نیرومند قرآن را به یک مقدار ارج می‌نهند و هر دو را به یک میزان تکلیف آسمانی می‌دانند. آنان به این اوامر همچون اوامر خدا به صوم و صلاة می‌نگرند. این نکته را بسیاری از صحابه و مسلمانان صدر اسلام به خوبی دریافته بودند. بی‌شک، ادبیات نیرومند تاریخ و سیره به چنین فهم و دریافتی مدیون است.

علی بن ابی طالب (ع) در وصیت نامه خویش به فرزندش امام حسن (ع) یا محمد بن حنفیه، پس از آنکه از وی می‌خواهند به مطالعه اخبار پیشینیان بپردازد و به یاد ماجرای آنان باشد، دستور می‌دهند در سرزمین و آثار گذشتگان سیر کن و در رفتارشان به دقت بنگر و بیاندیش؛ چنان‌که من در اخبارشان نگریستم و در آثارشان سیر کردم و اندیشیدم، آن‌گونه‌که گویا یکی از آنان شدم و با اول و آخرشان زیستم (صبحی صالح، ۱۴۱۴ق: ۳۹۳). در این نامه، از بُن واژه سیر یکبار به صورت امری و یکبار به صورت ماضی استفاده شده است. سیاق سخن امام (ع)، همانند سیاق آیات سیر در

انجام داد که علی بن ابی طالب چند دهه پس از وی، در دوران حکومت انجام دادند و عمل سعد را تأیید کردند و آن مصلی قراردادان ایوان مدائن بود. این سیره به روشنی بر ضرورت صیانت و بلکه قداست مواریث و بنیادهای تاریخی اشاره می‌کند. با وجود این، از ماجرای ساختن بغداد واقعیت دیگری را نیز باید فهمید و آن فاصله گرفتن تدریجی کارگزاران خلافت اسلامی از سنت اسلامی و اندیشه‌ها و رفتار فاتحان و داعیان نخستین است.

تأسی به پیامبران

در آیات قرآن کریم به پیامبر (ص) و همه مومنان دستور داده شده است که ابراهیم خلیل و فرزندان و یاران او را الگو و مقتدای خویش قرار دهند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ»، «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»، «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدَهُ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (ممتحنه، ۴ و ۶؛ انعام، ۹۰). نیز از مومنان خواسته شده است تا سیره و سنت پیامبر اسلام (ص) را اسوه حسنه خود بدانند و بدان بگروند: «قَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، ۲۱). از سوی دیگر، در آیات بسیاری به پیروی از پارسایان و راستان دستور داده شده است «وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصُّدُقِيِّينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنٌ أَوْلَئِكَ رَفِيقًا» (النساء، ۶۹).

صف طولانی راستان و پارسایان صالح که در آیات بسیاری به آن‌ها اشاره شده است، چگونه ممکن است در مدار حرکت و هدایت تاریخی همه مومنان در همه دوران‌ها قرار گیرد؟ یک راهش آیات قرآنی است که

روایت روشن می‌شود که علی بن ابی طالب ایوان کسری را آیه و نشانه معرفت می‌دانستند و همین نگاه آیه‌ای به آثار و پدیده‌های تاریخی است که باعث می‌شود ایشان ایوان کسری را مصلا و معبد کنند و برای همیشه نشانه درس آموز قرار دهند.

نیز مورخان ذیل حوادث سال ۱۴۶ قمری نوشته‌اند که تنظیم نقشه شهر بغداد با خالد بن برمک بود؛ چنان‌که حسابداری و شمارش آجرهای شهر با ابوحنیفه بود. منصور درباره تخریب مدائن و ایوان خسرو از یاران خود نظرخواهی کرد. همگان از جمله ابویوب موریانی، وی را به تخریب آن ترغیب کردند؛ اما خالد بن برمک که فارس و عجم بود موافقت نکرد و گفت: این نظر را نمی‌پسندم؛ زیرا این کاخ از «نشانه‌ها و آثار اسلام» و فتوح عرب است و هر بیننده‌ای با دیدن این آثار، نقش منحصر دین را در زوال دولتمردان این دیار دریافت می‌کند و با این آثار به نقش دین پی می‌برد. افزون‌بر این، در ایوان مصلا و نمازخانه علی بن ابی طالب قرار دارد. خلیفه نظر خالد را نپذیرفت و او را به ایرانی‌گری متهم کرد و دستور تخریب کاخ سفید را داد؛ اما پس از مدتی، به علت پرهزینه بودن تخریب و جابه‌جایی خشت‌ها و آجرهای کاخ، از تصمیم خود برگشت (طبری، ۱۹۶۷م: ۶۵۰/۷ و ۶۵۱؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۵۷۳/۵؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۷۴/۸).

چنان‌که پیداست دیدگاه واقع‌نگرانه خالد بن برمک، مشاور اعظم منصور، یادآور موضع و دیدگاه مسلمانان صدر اسلام و دیدگاه سرداران فاتح مدائن، سلمان و سعد بن ابی وقاص، است. جالب آنکه استدلال خالد نیز مانند استدلال و موضع آن‌هاست. سعد پس از ورود به کاخ مدائن، با تلاوت آیات عبرت آموز قرآن، به همان نکته‌ای اشاره کرد که در استدلال خالد در برابر منصور دیده می‌شود و آن درس آموزی از تاریخ پیکار دین و دنیا و پیروزی حق بر باطل است. نیز سعد کاری را

نیازی به رد آن نیست «و هذه المقالة أظهر فساداً من أن يرذ العلماء عليها...» (سبکی، ۱۴۱۹ق: ۶۰). در نزد شیعه نیز، شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۲۲۸ق/۱۸۱۳م) نخستین پاسخ عالمانه و کوتاه را به اندیشه‌های ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب داده است. او در نامه خود به عبدالعزیز بن سعود (۱۲۱۸ق/۱۸۰۳م) که با عنوان منهج الرشاد لمن اراد السداد شهرت یافته است، بی‌اساس بودن بسیاری از دعاوی آنان را به صورت روشمند و با تکیه بر قرآن و سنت اثبات کرده است.^{۱۲}

تقی‌الدین سبکی پس از آنکه مطلوب بودن سفر را برای زیارتِ حضوریِ قبر پیامبر(ص) بررسی کرده است، در همان کتاب شفاء السقام فی زیارة خیر الانام از ابوبکر آجری و ابن بَطَّه عکبری نقل کرده است که از فقهای اسلام هر کس که در باب مناسک حج کتاب نوشته است، به مناسک و آداب زیارت مرقد پیامبر(ص) و دو خلیفه دفن شده در جوار ایشان نیز پرداخته است (سبکی، ۱۴۱۹ق: ۱۴۸ و ۱۴۹). همین شیوه بی‌استثناء در همه جوامع حدیثی و فقهی شیعه نیز دیده می‌شود. با صرف نظر کردن از نخستین کتاب‌های مستقل مزارات، همانند کامل‌الزیارات ابن قولویه و کتاب المزار شاگردش شیخ مفید، در همه جوامع فقهی شیعه امامیه از کتاب کافی تا استبصار شیخ طوسی و نیز در همه جوامع فقهی شیعه پس از ابواب مناسک حج، بابت زیارت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) اختصاص یافته است؛ بنابراین باید گفت که در میان محدثان و فقیهان مسلمان پس از مناسک حج، اتفاق نظر اطمینان‌بخشی در باب مشروعیت و مطلوبیت مناسک و آداب زیارات اولیای خدا به چشم می‌خورد.

نخستین مسئله‌ای که ذهن هر مسلمان را به خود مشغول می‌کند آن است که اسلام برای دعوت فراگیر به حج و زیارات چه تدبیری اندیشیده است؟ تاریخ حج نشان می‌دهد که مسلمانان و بزرگان آنان از آغاز

به خواست خدا جاوید مانده است؛ اما توجه قرآن به سیره صالحان، همانند توجه به سیر در زمین و مطالعه احوال گذشتگان است و شناخت جزئیات احوال و اوصاف پیشینان و صالحان، راه دیگری می‌طلبد و آن گزارش‌های تاریخی است. این‌گونه آیات به دلالت التزامی، ضرورت ثبت روایات و اسناد تاریخی را گوشزد می‌کنند.

از سوی دیگر، مخاطبان قرآن و پیامبر(ص) نیز از آغازین روزهای فعالیت تبلیغی پیامبر(ص)، به این ضرورت دست یافتند. پیامبر(ص) نیز اصحاب خود را به شدت به ثبت و تقیید قرآن و سنت سفارش کرد و فرمود: «قِيدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ» (خطیب، ۱۴۲۶ق: ۶۸)^{۱۰} و هم به ضرورت ابلاغ سنت و سیره خود به آن کسانی سفارش کرد که مکان یا زمانشان از مکان و زمان پیامبر(ص) دور بود (یعقوبی، بی تا: ۱۰۹/۲). جالب‌تر آنکه در این میان، تأکید شده بود که این ثبت و کتابت باید مستند به ذکر سلسله روایان و مشایخ روایت باشد.^{۱۱} از همین رو، سامانه اسناد در روایت حدیث شکل گرفت و به یکی از ابزارها و روش‌های افتخارآمیز تعلیم و تربیت مسلمانان تبدیل شد. روشی که تا به آن روز جایگاهی بدان پایه نداشت.

زیارت اولیاء

اگر از کژتابی‌های فکری و فقهی پیروان ابن تیمیه (۶۶۱ تا ۷۰۷ق/۱۳۰۷م) و محمد بن عبد الوهاب (متوفی ۱۲۰۶ ق/۱۷۹۱م) و پیروانشان بگذریم، امت اسلامی از گذشته تا به امروز، تردیدی در مشروعیت زیارت مراقد انبیاء و اولیاء نداشته‌اند. از این رو، تقی‌الدین سبکی (۶۸۳ تا ۷۵۶ق/۱۳۵۵م) در آغاز کتاب شفاء السقام فی زیارة خیر الانام که به منظور نقد دیدگاه‌های ابن تیمیه نوشته است، تأکید کرده است که فساد سخن منکران مشروعیت زیارت و توسل در نزد عالمان چنان آشکار است که

مقدس، قدمگاه صدها پیامبر و وصی پیامبر بوده است. جالب آن است که در این روایات، یکی از علت‌های عمده قداست این مکان و نیز فضیلت مضاعف عبادت در آن، وجود آثار پیامبران و اولیاء در این مکان دانسته شده است. در همین روایات، مسجد سهله یا سهیل در کوفه و خیف در مکه نیز چنین جایگاهی دارد (ری‌شهری، ۱۳۸۷: ۲۰۰ تا ۲۲۰).

تبرک به آثار اولیا

بخش دیگری از سنت صحابه توجه و تبرک آنان به آثار پیامبر(ص) است که بر نگهداری آثار تاریخی تأثیر مهمی گذاشته است. در روایات و اخبار به این نمونه‌ها اشاره شده است. کتاب التبرک احمدی میانجی، با نظر به منابع و مطالعات پیشین، پژوهش‌های جامع و سودمندی را در اختیار گذاشته است.^{۱۳}

احمدی میانجی با عطف توجه مطالعات پیشین، به سنت تبرک در اخبار و احادیث نگاه انتقادی تاحدودی جامع دارد. او حدود نیمی از کتاب التبرک، یعنی از صفحه ۱۰۳ تا ۲۴۵ را ویژه روایات مربوط به آثار متبرک کرده است. این گزارش‌ها نشان می‌دهد که علاقه صحابه و مسلمانان دیگر به آثار نبوی، مهم‌ترین و مقدس‌ترین انگیزه در حفظ آثار تاریخی بوده است. تبرک صحابه به موی سر پیامبر اعظم(ص) و نگهداری تارهای مو توسط ام‌سلمه، خالد بن ولید، عایشه، معاویه، ولید بن ابی‌الولید و انس بن مالک و وجود تارهای موی پیامبر(ص) در میان طوایف و افراد گوناگون تا ده‌ها و صدها سال در اخبار آمده است؛ برای مثال، هفت تار موی حضرت در صندوقچه نقره‌ای به رؤیت امام رضا (ع) (۲۰۳/ق ۸۱۸م) رسید و آن حضرت چند نمونه را تأیید کردند. عمر بن عبدالعزیز، خلیفه اموی (۱۰۱ ق / ۷۱۹م)، وصیت کرد تارهای مو و ناخن پیامبر(ص) را در کفنش بگذارند. عبدالله فرزند احمد حنبل (۲۴۱ ق / ۸۵۵ م) وصیت کرد

تاکنون، به لوازم این دعوت و این اردوکنشی معنوی و بزرگ اندیشیده‌اند. از تأمین امنیت جاده‌ها تا مدیریت شئون حج و زیارت و صیانت و گسترش اماکن و تسهیلات مربوط به این اردوی بزرگ، همواره مدنظر مسلمانان و کشورهای اسلامی بوده است. معلوم است که عملیات جمعی حج و زیارت بدون ضرورت حفظ آثار و تأسیس و توسعه رواق و صحن و تأمین حداقل رفاه زوار ممکن نیست. اجرا و احیا و استمرار سالیانه و ماهیانه شعایر اجتماعی اسلام به صورت ضروری تجمع، آبادانی، حفظ آثار اولیاء و توسعه همیشگی اماکن را به همراه خواهد داشت.

ذیل مبحث ایوان کسری به نمونه‌ای از اهتمام مسلمانان برای نگهداری ایوان، به عنوان مصالای صحابه و امام علی(ع)، اشاره کردیم. مهم‌تر از این، توجه و اهتمام مسلمانان نخستین به حفظ و نگهداری مرقد پیامبر(ص) و دیگر آثار آن حضرت است. با اطمینان باید گفت که علت اساسی این همه در «نگاه قدسی و آیه‌ای» پیشینیان به پدیده‌های تاریخی صدر اسلام و احوال و آثار ذات مقدس پیامبر نهفته است.

در هر حال، بسیاری از روایات نشان می‌دهد که یادکرد و احیای آثار و خاطره اولیای خدا، بخشی از برنامه‌های دینی بزرگان صحابه بوده است. اقدام آن‌ها به ساختن مسجد در قدمگاه رسول خدا(ص) از بهترین علت‌ها بر وجود این نوع نگاه در میان صحابه است. آمار این مساجد را سمهودی گزارش کرده است (سمهودی، ۱۳۷۶: ۲۶۹ تا ۲۸۷).

از روایات گوناگون معلوم می‌شود که اقدام صحابه و دیگر مسلمانان بر صیانت از قدمگاه‌های پیامبر(ص)، ادامه سنت امت‌های گذشته در حفظ و نگهداری از آثار پیامبران بوده است. روایات بسیاری در دست است که نشان می‌دهد مکان مسجد کوفه در شهر کوفه، در تاریخ دینی سابقه بسیار طولانی دارد و این مکان

این آثار نیست (احمدی، ۱۴۲۲: ۱۴۳ تا ۱۶۲).

در این میان تبرک و توجه تام صحابه، اهل بیت (ع)، تابعین و دیگر شخصیت‌های سیاسی و علمی به وسایل شخصی و لوازم منزل رسول خدا (ص) نیز درخور توجه است. وسایلی همچون عصا، لباس، ردا، کساء، انگشتر، عمامه، عمامه موسوم به سحاب، شمشیر، شمشیر ذوالفقار، زره، کفش که برخی از آن‌ها صدها سال و حتی تا دوره ابن‌کثیر، در قرن هشتم قمری نگهداری می‌شدند. این وسایل همواره در کانون توجه بزرگان بوده است و کسانی همچون عمر بن عبدالعزیز آن‌ها را در گنجینه‌ای نگهداری می‌کردند و در معرض تماشای دیگران قرار می‌دادند (احمدی، ۱۴۲۲: ۱۷۳ تا ۱۹۲).^{۱۴}

عبدالله بن عمر سرآمد صحابه بود در تبرک و توجه به اماکن و خانه‌هایی که پیامبر در آنجا قدم نهاده یا نماز خوانده بود. وی این کار را پیوسته انجام می‌داد. فرزند سالم نیز راه پدر را رفت و دیگران را به این مرام تشویق می‌کرد. به جز او، دیگر صحابه نیز مکان‌های توقف یا نماز پیامبر (ص) را زیارت می‌کردند و نمازخانه یا مسجد می‌ساختند؛ اما اهتمام عبدالله بن عمر به حفظ آثار پیامبر چنان بود که درختی را که آن حضرت در حدیبیه زیرش سایه گرفتند، همیشه آب می‌داد که خشک نشود. در مکه و در مدینه کنار مساجد متبرک مدینه، چند خانه متبرک نیز به چشم می‌خورد. این خانه‌ها به نماز یا ولادت پیامبر (ص) متبرک شده بود و قرن‌های متوالی زیارتگاه مسلمانان بود (احمدی، ۱۴۲۲: ۱۹۹ تا ۲۲۸).

فقه نگارگری و پیکرتراشی

در فقه اهل سنت و شیعه، تصویرگری و ساختن مجسمه جانداران اغلب حرام و ممنوع است (نووی، ۱۴۰۴ق: ۴۰۳/۱۶؛ ابن حزم، ۱۴۲۲ق: ۲۵/۹؛ درویش، ۱۴۰۹ق: ۱۷۷/۱)؛ اما از دوران‌های گذشته، فقهای شیعه در خرید و فروش و نگهداری تصویر و مجسمه جاندار و

که تارهایی از موی سر پیامبر را در کفش و در داخل دهانش قرار دهند. طبق نقل ابن حجر، در قرن نهم قمری تارهایی از موی پیامبر (ص) در بیت المقدس و در تونس وجود داشته است (احمدی، ۱۴۲۲ق: ۱۰۳ تا ۱۱۳). این اخبار از اهتمام مسلمانان صدر اسلام در حفظ حتی رقیق‌ترین اشیاء متبرک تا صدها سال نشان دارد.

صحابه به قدح آب پیامبر نیز تبرک می‌جستند. این قدح در زمانی که عمر بن عبدالعزیز والی مدینه بود، با دیگر لوازم و اثاث منزل آن حضرت، در اختیار وی قرار گرفت. این قدح یا قدح دیگری از پیامبر (ص) را ابن سیرین دیده است. بخاری مصنف کتاب الصحیح در قرن سوم قمری در بصره از آن قدح آب خورده است (احمدی، ۱۴۲۲: ۱۲۶ و ۱۲۷).

تبرک به منبر پیامبر (ص) آنچنان در کانون توجه جامعه علمی قرار گرفت که سرمنشأ برخی مناسک و مقررات فقهی درباره سوگند خوردن در نزد منبر شد. این منبر تا زمان خلفای بنی عباس موجود بود و همواره تعمیر و نگهداری می‌شد تا اینکه در حادثه حریق مسجد النبی سوخت و قطعات سوخته آن در زیر یا کنار منبر جدید دفن شد (احمدی، ۱۴۲۲: ۱۳۲ تا ۱۳۷).

بی‌تردید تبرک و توجه اهل بیت (ع)، ائمه (ع)، صحابه، تابعین، اتباع تابعین، خلفا و فقهای بزرگ به قبر پیامبر (ص) و نیز احترام برخی از فقها به قبور فقهای همچون ابوحنیفه و احمد بن حنبل در صیانت و ماندگاری این قبور نقش اساسی داشته است. وصیت امام حسن (ع) به تشرف جنازه آن حضرت به نزد قبر جدش (ص) و نیز توجه خاضعانه امام حسین (ع) به قبر آن بزرگوار در هنگام هجرت در دناکش از مدینه و نیز تشرف امام رضا (ع) به مرقد پیامبر (ص) به هنگام هجرت اجباری به خراسان و نمونه‌های دیگر، نشان‌دهنده فلسفه تاریخی تبرک و توسل به آثار اولیای خداست و آن مسئله‌ای جز ماندگاری و درس‌آموزی و الهام‌بخشی

غیرجاندار یک نظر نبودند. در این میان، بسیاری بودند که فتوی به جواز دادند. مرحوم نجفی در جواهرالکلام علاقه‌مند است که با اطمینان خاطر، جواز خرید و فروش و نگهداری تصویر و مجسمه را به اجماع فقهای شیعه نسبت دهد (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۴۴/۲۲).

این سخن از آن نظر مهم است که اجماع فتوای فقهای شیعه از رویکرد تاریخی مهمی در فقه نگارگری و پیکرتراشی حکایت دارد. در فقه، این رویکرد به نام فقهای شیعه ثبت شده است؛ اما با توجه به گزارش‌هایی که ذیل ایوان کسری گذشت و نیز روایاتی که درباره سکه‌ها وجود دارد، معلوم می‌شود که حداقل طیفی از بزرگان و فقهای اسلام در سده‌های نخست، با موضوع نگهداری و جفظ تصاویر و نقوش برجسته و تندیس‌های موجود در جهان اسلام مخالفت جدی نکرده‌اند؛ بلکه کسانی در همان دوران‌ها بوده‌اند که تسامحی بیشتر از جواز نگهداری و خرید و فروش داشته‌اند.

در گذشته و حال دیدگاه‌هایی یافت می‌شود که به صورت مطلق، ساختن و خرید و فروش کردن و نگهداری انواع تصاویر و مجسمه را مشروع می‌دانند. عبدالمجید وافی، از استادان الازهر، در مقاله «موقف الاسلام من الفنون» (الوافی، ۱۳۸۷: ۵۲ تا ۵۸) با استشهاد به دیدگاه‌های کسانی همچون نحاس (۳۳۸ق/ ۹۴۹م) و ابوعلی فارسی (۳۷۷ق/ ۹۸۷م) و نیز محمد عبده، به این نتیجه می‌رسد که اسلام از اساس، نه در عصر پیامبر (ص) و نه در عصر خلفای نخستین، هیچ مخالفتی با هنرهای تجسمی نداشته است. با وجود مخالفت فقه‌پژوهان، از نظر میدانی نیز تاریخ هنر و تمدن اسلامی به‌خوبی بر حیات فنون تصویری در گذشته دلالت می‌کند. وانگهی در میان مفسران و قاریان و فقها کسانی بوده‌اند که مطلق ساخت و فروش و نگهداری تصویر و مجسمه را مشروع و مستند به قرآن دانسته‌اند. نحاس (۳۳۸ ق/ ۹۴۹م) و مکی‌بن‌ابی‌طالب

(۳۵۵ق/ ۹۶۵م)، مفسر و قاری، با استناد به آیه «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ» (سبأ، ۱۳) و آیه «أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ» (آل عمران، ۴۹) بر این باورند که با توجه به نقل تأییدآمیز قرآن، مطلق تصویر و مجسمه‌سازی در شریعت انبیای الهی مباح و مشروع بوده است (نک: الجصاص، ۴۱۵ق: ۴۸۸/۳؛ القرطبی، ۱۴۰۵: ۲۷۲/۱۴).

ابوعلی فارسی (۳۷۷ق/ ۹۸۷م) قاری و مفسر ادیب، در ذیل سخن از پرستش گوساله از سوی بنی اسرائیل، به نظر مسلمانان استناد می‌کند و می‌گوید: «محض ساختن گوساله مورد غضب نبوده‌است؛ آنچه مورد غضب الهی قرار گرفت این بوده‌است که آنان خدا را به صورت اجسام درآورده و به اجسام، جایگاه معبودیت دادند» (فارسی، ۴۰۴ق: ۷/۲). عبدالحمید وافی اشاره می‌کند که محمد عبده (۱۲۶۶ تا ۱۳۲۳ق/ ۱۸۴۹ تا ۱۹۰۵م) و عبدالعزیز خلیل حسن جاویش (۱۲۹۳ تا ۱۳۴۷ ق / ۱۸۷۶ تا ۱۹۲۸ م) نیز چنین نظری دارند. از نظر عبده، فنون تجسمی و تصویری هرگاه مصداق لهو و پرستش کسان باشد، تصاویر و تجسم جاندار و بی‌جان تفاوتی نخواهد داشت. او با استناد به وجود فنون تصویری فراوان در نسخه‌های خطی قرآن و امتناع نکردن علما از کشیدن تصویر در ابتدای سوره‌ها و نیز در هامش صفحات قرآن، سخن خود را تأیید می‌کند.

و اما در میان فقهای شیعه، نخست باید اشاره کرد که در کتب روایی شیعه و اهل سنت احادیث فراوانی از پیامبر اکرم (ص) و نیز احادیث متعددی از ائمه اهل بیت (ع) مبنی بر حرمت مجسمه‌سازی انسان و حیوانات و موجودات زنده آمده است. دوم اکثر امامیه بر اساس این روایات به حرمت مجسمه‌سازی موجود زنده فتوا داده‌اند و حتی برخی فقهای شیعه، همانند صاحب جواهر و شیخ انصاری و آیت‌الله خوئی در

بهره‌گیری می‌شود.^{۱۶} چنان‌که پیداست، نامبرده در تفصیل فوق از مبانی خود در مباحث عالی حوزه که در بالا بدان اشاره شد، تخطی نکرده است. هرچند در بیان مصداق و مثال‌ها ملاحظاتی دیده می‌شود. امام خمینی (ره) در نامه‌ای که به منشور برادری شهرت یافته است، موضوع نقاشی و مجسمه‌سازی را از جمله موضوعاتی دانستند که صاحب نظران درباره آن باید بیشتر به بحث و گفت‌وگو پردازند (خمینی، ۱۳۷۰: ۱۷۶/۲۱). میرزا جواد آقا تبریزی نیز با انجام بررسی‌هایی در منابع دینی، درباره حرمت مجسمه‌سازی به صورت عام کردند (تبریزی، ۱۴۱۶ق: ۱/۱۲۳).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز در فتاوی جدیدشان تصریح کرده‌اند که «ساخت مجسمه و نقاشی و ترسیم چهره موجودات و لو ذی روح اشکال ندارد. همچنین خرید و فروش و نگهداری نقاشی و مجسمه جایز است و ارائه آن‌ها در نمایشگاه هم اشکال ندارد».^{۱۷} همین دیدگاه در فتاوی کسانی همچون آیت‌الله ابراهیم جناتی نیز دیده می‌شود، او می‌گوید: «مجسمه‌سازی که امروزه به‌عنوان فن و هنر گرانقدر و ارزشمند به شمار می‌آید و از انگیزه‌های مذموم و ناپسند و از آلودگی، شرک و قصد تشبه به خالق، مبراست و با تحول زمان و شرایط آن، ملاک حرمت و یا کراهت آن متحول شده، اشکال ندارد».^{۱۸} آیت‌الله صانعی نیز در فتاوی اخیرشان همین دیدگاه را دارند.^{۱۹}

به نظر می‌رسد با وجود فتاوی که بدان‌ها دست یافتیم، احتمال درستی است اگر بگوییم چه بسا دیدگاه‌های مشابه دیگری نیز در میان فقهای اسلام بوده و هست که یا منابعشان مفقود شده است^{۲۰} یا فتاویشان هنوز شناخته شده نیست. از این رو باید گفت تبدیل ایوان مدائن به نمازگاه مسلمانان و شهرت پایدار آن به‌عنوان مصلاهی امیرالمومنین و نیز حفظ و صیانت تصاویر و گچ‌بری‌های موجود در آن، الگویی است برای داوری احتمالی ما درباره سیره فقهی نخستین فاتحان

مصباح‌الفقاهه، ادعای اجماع فقهای بر نامشروع بودن ساخت مجسمه کرده‌اند. اما در این میان شیخ طوسی در تفسیر تبیان (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۲۳۶/۱ و ۲۳۷) طبرسی در مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۳۳/۱) و مجلسی در بحارالانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۸۵/۷۶) قائل به کراهت شده‌اند و حرمت نگارگری و پیکرتراشی را مختص بت‌سازی دانسته‌اند.^{۱۵}

به نظر می‌رسد یکی از مبانی اختلاف فتاوی، اختلاف برداشت در موقت بودن حکم حرمت مجسمه‌سازی و صورتگری است که در احادیث متعدّد از پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) آمده است. نکته دیگر، توجه به متن یا ملاک احکام است. این فقها چنان‌که از علت‌هایی که بیان می‌کنند پیداست، انگیزه بت‌پرستی و تصویر و تجسیم خدا را ملاک حرمت دانسته‌اند. از این رو، نظر کلی آیت‌الله مکارم در مباحث فقهی‌شان جواز تصویر و مجسمه‌سازی است (نک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق: ۱۶۴/۴؛ ۱۴۲۷ق: ۱/۳۵۹ تا ۳۶۰). تفصیل نظر ایشان در باب جواز تصویر و مجسمه حیوانات که در فتاوی رسمی‌شان منتشر شده است به این شرح است:

۱. جواز نقوش برجسته که در گچکاری و کنده‌کاری و قلمکاری و مانند آن‌ها دیده می‌شود؛
۲. ساختن عروسک‌ها و آنچه جنبه بازیچه دارد؛
۳. ساختن مجسمه‌هایی که برای فریب دشمن ساخته و در مناطقی گذاشته می‌شود و از نظر جنگی ضرورت دارد؛
۴. ساختن مجسمه‌هایی که از قطعات متعددی تشکیل یافته است و در طب برای تعلیم مسائل مختلف به کار می‌رود و در بسیاری از مواقع، جانشین تشریح بدن انسان‌ها می‌شود و برای تعلیم این مسائل لازم به نظر می‌رسد.
۵. ساختن رباط‌های کامپیوتری که جنبه سرگرمی و تفریح ندارند؛ بلکه در نیازهای زندگی بشری از آن‌ها

سنت وقف

بی‌تردید، وقف و احسان پایدار خاص اسلام و جوامع اسلامی نیست و این حرکت خیرخواهانه در جوامع و ادیان کهن سابقه داشته است. پژوهش‌گران شواهد بسیاری از پیشینه وقف و شبه وقف در کتاب‌های یهود ذکر کرده‌اند (حیدری، ۱۳۹۲: ۱۷ تا ۵۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در کشورهای غربی و حتی نقاط دورافتاده استرالیا و آفریقا و در میان سرخپوستان آمریکای جنوبی سنت وقف وجود داشته است و مردم این سرزمین‌ها موقوفاتی را به پرستش‌گاه‌ها و کلیساها اختصاص می‌داده‌اند. در عصر باستان یونان، چین، ژاپن و روم و در فلسطین قبل از اسلام موقوفاتی بوده است که از درآمد آن‌ها برای جریان کار معابد، صومعه‌ها، پرستشگاه‌ها و بازسازی آن‌ها و نیز گذران زندگی اسقف‌ها و برهمن‌ها و کاهن‌ها و ارائه خدمات لازم به برخی از دانش‌آموزان مدارس بهره می‌گرفتند (عبداللطیف مشهور، ۱۳۸۹: ۱۶۵ تا ۲۰۲؛ تفرشی، ۱۳۸۳: ۱۹ تا ۶۶).

در فقه اسلامی، وقف همان صدقه جاری در روایات است (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۲۴۸/۴؛ طوسی، ۱۳۹۰ق: ۹۹۷/۴ تا ۹۹۸/۴). در روایت دیگری از پیامبر (ص)، صدقه جاری به نگهداشتن مایه و ماده و آزادکردن انتفاع معنی شده است (ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق: ۲۷۲/۳؛ شامی، ۱۴۱۴ق: ۲۷۲/۱۱).^{۲۴} گویا از این روست که فقهای شیعه، از شیخ طوسی به بعد، نیز وقف را نگهداری ماده و آزادکردن سود معنی کرده‌اند: «تحییس الاصل و تسبیل یا اطلاق الانتفاع» (طوسی، ۱۳۸۷ش: ۲۸۶/۳؛ حلی، ۱۴۰۵ق: ۳۶۹). برای وقف منافع و کاربردهای بسیاری برشمرده‌اند. با توجه به تاریخچه وقف و اسناد پرشماری که در دسترس است، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین کاربرد آن، جنبه حمایتی و اجتماعی و فرهنگی است. در مواقعی نیز وقف در اموری همچون نشر آیین و مذهب، تامین مالی فقرا و فقرزدایی، توسعه مراکز علمی و آموزشی و

و چگونگی رفتار آنان با صنایع و هنرهای معماری و امثال آن. چنان‌که گذشت این سیره تا سالیان دراز دوام داشته است؛ برای مثال شواهد نشان می‌دهد که سکه‌های منقوش ساسانی و رومی تا مدت‌ها در دارالاسلام رایج بوده است. در زمان عمر بن خطاب، سکه‌های ساسانی با تصویر پادشاه ایران ضرب می‌شد (خزاعی، ۱۴۱۹ق: ۶۲۷؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق: ۲۰/۱۳).

مقریزی به ضرب سکه‌های عصر معاویه و منقش‌بودن آن به تصویری اشاره کرده است که شمشیر به میان بسته است؛ سپس به ضرب سکه‌های منقوش به تصویر عبدالملک در سال ۷۶ قمری پرداخته است و یادآوری کرده است که این سکه‌ها وقتی به مدینه آمد، بقایای صحابه از نقش آن ناخرسند شدند؛ اما سعید بن مسیب، از فقهای تابعین، عیبی بر این سکه‌ها نمی‌گرفت و با آن‌ها معامله می‌کرد (مقریزی، بی‌تا: ۵ تا ۳). البته در آن دوران‌ها کسانی از فقها نیز بودند که نظر مخالف داشتند. در هر صورت، وجود کتیبه‌ها و مجسمه‌ها و تصاویر برجسته در ایران و دیگر کشورهای اسلامی نشانگر رویکرد تسامحی در میان عامه مردم مسلمان است.

در حال، اگر آرتور پوپ جلد اول و دوم کتاب سیری در هنر ایران^{۲۱} را به آثار هنری دوران هخامنشی و پیش از هخامنشی و عصر ساسانی اختصاص می‌دهد، تاحدی از آن روست که این آثار از دوران اسلامی به دست او رسیده است. دایرة‌المعارف هنر و معماری اسلامی،^{۲۲} اثر جانانان بلوم (Jonathan Bloom) و شیلا بلر (Sheila Blair) با ۱۶۰۰ مدخل و ۵۰۰ تصویر نیز از چنان رویکردی در دوران‌های اسلامی نشان دارد. امروز شمار بسیاری از سکه‌های خلیفگان و پادشاهان نخستین دوران‌های اسلامی در دسترس پژوهشگران است.^{۲۳}

فقه مسجد

نهاد تعلیم و تربیت در کنار رسانه کتاب و گنجینه کتابخانه، همواره دو دستگاه مهم در انتقال و صیانت از فرهنگ و تمدن بوده‌اند. جالب‌تر آنکه کتاب و دانش در مسجد و سپس مدرسه به هم می‌رسند. در دوران تاریخی تمدن اسلامی، به‌طور معمول مسجدها و سپس مسجد مدرسه‌ها کانون امن دانش و کتاب بوده‌اند. هرچند مراکز دینی دیگری همچون خانقاه و مزارات انبیاء و اولیاء نیز از مکان‌های مطمئن برای رشد علم و فرهنگ و صیانت از کتاب و هنر بوده‌اند. در این میان، سنت وقف طولانی‌ترین همکاری و همگرایی را با مسجد و اماکن مقدس داشته است. تلاقی و هماهنگی تاریخی نهاد مالی وقف با نهاد رسانه‌ای و قدسی مسجد، ماندگاری بخش بزرگی از میراث‌های تاریخی مسلمانان را دو چندان کرده است. اگر هنر اسلامی نیز در معماری مسجد خودنمایی می‌کند، در اصل ریشه در طهارت و ماندگاری این بنیاد دارد.

در قرآن و فقه، حکم ذاتی مسجد و معبد قداست و ماندگاری است. در کتاب خدا، جایگاه ابدی و نقش حیاتی معابد آنچنان برتر است که از یک سو، به جای فلسفه مهم دفاع مقدس می‌نشیند و آن را برای ماندگاری مسجد و معبد و صومعه و دیر ضروری می‌سازد و از سوی دیگر، دستان خائن و ویرانگر مسجد را ستمگارتترین و بدفراجم‌ترین آدم‌ها می‌داند.^{۲۵} در فقه، عرصه مسجد به محض ساخت و قصد انتفاع عمومی از آن، از ملکیت شخص خارج می‌شود و مانند وقف جز در مواقع ضرورت، هیچ‌کس نمی‌تواند هیچ تصرفی برخلاف مصالح و بقای آن بکند (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۱۶۰/۱؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹ق: ۵۹۶/۱).

بنابراین، مسجد به حکم آنکه وقف عام است ثبات و بقا دارد. موقوفات آن نیز به دو اعتبار شانس ماندگاری

خدماتی و امدادی، ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، تولید و انتشار کتاب، توسعه کتابخانه‌ها، ایجاد گردشگری و خلاصه در آبادی شهرها و کشورها نقش اساسی داشته است؛ بنابراین، نقش تأسیسی و ایجاد وقف در فرهنگ و تمدن اسلامی بر کسی پوشیده نیست (نک: صادق‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۷). گو اینکه در ایران بیشترین موقوفات مربوط به مراکز دینی، همچون مساجد و حسینیه‌ها و آستان قدس رضوی و امامزادگان است؛ پس از آن نوبت به مراکز علمی و کالاهای فرهنگی، همچون کتاب، می‌رسد که بیشترین موقوفات را دارند. وقف‌های عام‌المنفعه مانند پل‌ها، آب‌انبارها، کاروانسراها و بیمارستان‌ها در مرتبه سوم است (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۵ تا ۳۶).

اما از زاویه دیگری نیز باید به وقف نگریست و آن نقش تضمینی و امدادی وقف در حفظ و صیانت از آثار و میراث تمدنی است. نویسنده بر این نکته اصرار می‌کند که چنین ظرفیت دینی و اسلامی باید بازشناسی و احیاء شود. البته بسیاری از کسانی که در باب وقف نوشته‌اند، به نقش صیانتی و حمایتی وقف نیز توجه کرده‌اند (گایینی، ۱۳۹۱، ۶۶ تا ۸۷؛ ملک افضلی، ۱۳۹۲: ۱۹).

در فقه وقف اسلامی، دوام و استقلال دو عنصر شناخته‌شده و ذاتی است. این عناصر از سویی هرگونه دخالت دولت‌ها و حکام را در مدیریت موقوفات منع می‌کنند و از سوی دیگر، خرید و فروش و هرگونه جابه‌جایی وقف را جز در مواقع خاص ناروا می‌دانند (طوسی، ۱۳۸۷: ۳/۵۳۸ و ۵۳۹). در این اقدام انسانی، کوشش می‌شود هم صدقه و جاری و جاویدان باشد و هم نقشی در صیانت و مدیریت دیگر آثار و موارث فرهنگی داشته باشد. «وقف تضمین دینی و قدسی صیانت از کارنامه انسانی است».

بیشتری دارند: هم به اعتبار موقوفه‌بودن و هم به اعتبار تعلق به مسجد؛ بنابراین باید مسجد و سپس مزار پیامبر(ص) و ائمه(ع) و امامزاده گان بزرگ(ع) را از کانون‌های بزرگ فرهنگی و تمدنی بدانیم که به اقتضای شرع و عرف دینداران صیانت شده‌اند.

البته باید گفت چنین صیانتی ریشه در ژرفای دیانت و خداپرستی انسان دارد. انسان تاریخی کوشیده است پایداری و ماندگاری دیانت خود را با نمادهای دینی پیوند بزند. باید گفت که از میراث گذشتگان آن بخشی که به این نمادها تعلق خاطر دارند، هم بیش از دیگر آثارند و هم ماندگارتر. وجود طیف فراوان کلیساها و مدرسه‌های دینی و مزارات و مجسمه‌ها و دیگر نمادهای دینی شاهد این دعوی است.

میراث تاریخی از آن نام می‌بریم. دستور و اهتمام به حفظ و کتابت و قرائت قرآن، فرمان به کتابت و روایت حدیث و سنت، تاسیس سنت زیارت، تبرک، وقف و فقه‌المسجد، دستور به تأسی از پیامبران و صالحان، نظر و سیره اثباتی طیفی از فقها و اسلام‌شناسان و مسلمانان در باب هنر نگارگری و پیکرتراشی، دستور به سیر و سیاحت در زمین و زمان و بالاخره سیرت عاقلانه‌ای که فاتحان نخست در صیانت از آثار تاریخی عراق داشتند، همه و همه نمایشگر اهتمام دیانت اسلام به حفظ میراث بشری و نشانه روح تاریخی و پایشگری اسلام در حیات انسانی است.

پی نوشت

۱. هیئت امر به معروف و نهی از منکر با اشاره به فعالیت‌های توریستی و بازدید از آثار تاریخی و اسلامی بیان کرد: «دیدن از آثار تاریخی و اسلامی حرام است؛ زیرا هیچ‌کدام از صحابه این کار را انجام نداده بودند» <http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=7344>
۲. این کتاب را با ترجمه و تحقیق دکتر محمدرضا ستوده‌نیا و زهرا جان‌نثاری لادانی، انتشارات زمان نو در ۳۸۰ صفحه منتشر کرده‌است. صفحات ۱۳۷ تا ۱۹۰ در باره قرائت مطلوب قرآن است.
۳. عزیزی، ۱۳۹۱، نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری: ص ۲۷ تا ۴۸، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. فقه‌الکتابه شامل هر نوع فعالیت استدلالی و اجتهادی است، در باب منابع و مبانی و احکام کتابت علم از منظر کتاب و سنت و عقل. در استدلال بر سنت نبوی، سیره آن حضرت و صحابه بزرگ او جایگاهی ویژه دارد. براین اساس، می‌توان تقییدالعلم خطیب بغدادی را

نتیجه

اسلام در نخستین روزگار پیدایش خود، به‌عنوان دعوتی الهی و سپس دولتی آغاز شد؛ اما پس از مدتی، به فرهنگ و تمدنی بزرگ تبدیل شد. این فرایند بی‌شک مایه و ماده در ذات اسلام داشت. پیامبر ملت و دولت و کتاب و سنت و فقهی را بنیاد نهادند که مایه‌های فکری جاودانگی و ماندگاری‌اش را در ذات خود داشت. ایشان خود را خاتم پیامبران، کتابشان را نگهبان میراث گذشتگان و سنت حرام و حلالشان را ابدی کرده بودند.

چنین آیینی که در ذات مَهْمِین و پایشگر است، نمی‌توان گذشته خود را فراموش کند؛ شاید از این‌روست که اهتمام شگرفی به تاریخ پیامبران و حاکمان و حکیمان دارد. در این مسیر، ایشان دستورها و سنت‌هایی را در نظر و عمل به یادگار گذاشتند که با روح جاودانه این دین آسمانی قرابت داشت و این همان است که با عنوان مبانی لزوم صیانت از آثار و

۱۰. در کتاب تقييدالعلم بالكتاب که خطیب بغدادی فراهم آورده است، ده‌ها روایت از پیامبر و صحابه و تابعین با سندهای گوناگون درباره ترغیب و تشویق به کتابت علم گزارش شده است (خطیب، ۱۴۲۶: ۶۸ تا ۱۰۱).

۱۱. ذهبی از یعقوب بن عباد از امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که فرمودند: «هرگاه حدیث را نوشتید با اسنادش بنویسید؛ اگر حق بود، شما در پاداش آن شریک خواهید بود و اگر باطل بود، کیفرش بر عهده اوست» (ذهبی، بی تا: ۹۸/۴). نویسنده با چند استدلال و با استناد به ده‌ها نمونه از دفاتر و کتاب‌های نوشته شده به دست صحابه و اتباع آن‌ها، جایگاه و اهمیت کتابت علم و اعتبار روش اسنادی را بررسی کرده است (عزیزی، ۱۳۹۱: ۲۸ تا ۵۴؛ و نک: رازی، ۱۳۷۲: ۱/۱۲۰).

۱۲. این نامه را با عنوان پاسخنانه شیخ جعفر به نامہ عبدالعزیز بن سعود محمد تقدیمی صابری ترجمه و بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی به سال ۱۳۸۶ منتشر کرده است.

۱۳. روایات و مطالعات تفصیلی و انتقادی درباره تبرک و آثار متبرک صدر اسلام را می‌توان در کتاب‌هایی همچون التوسل بالنبی صلی الله علیه و آله و سلم، و شفاه السقام تقی الدین سبکی، و تطهیر الفؤاد شیخ محمد المطیعی، و المنحة الوهبیة حسین حلمی، تبرک الصحابه محمد طاهر کردی، کشف الاریاب علماء سیدامین جبل عاملی ملاحظه کرد. کتاب التبرک احمد احمدی میانجی به علت نوپدیدبودن و جامعیتی که به کتاب‌های یادشده دارد، درخور توجه است.

۱۴. شماری از این آثار را احمد تیمور پاشا (۱۸۷۱ تا ۱۹۳۰م/۱۲۸۸-۱۳۳۰ق) در کتاب الاثار النبویه

فقه‌الکتابه روایی دانست و فصل ششم مکاتیب الرسول احمدی میانجی (ص ۱۰۳ تا ۱۸۱) را فقه‌الکتابه استدلالی و عقلی.

۵. Tourism

۶. درباره اینکه آیا اسراء و معراج پیامبر به مسجدالاقصی و جهان بالا، روحانی بوده است یا جسمانی نگاه کنید: (سبحانی، ۱۳۶۷: ۱۷۸/۶). چنانکه اشاره شد، دیدگاه رایج شیعه به مفهوم سیر جسمانی نزدیک است.

۷. یاقوت حموی در مقدمه کتاب خود، ضرورت و لزوم مطالعات جغرافیایی و تاریخی و انسان‌شناسی تاریخی را به صراحت، از آیات ۴۶ سوره حج «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا...» و ۱۱ سوره انعام «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا...» استنباط کرده است.

۸. نک: سوره‌های الأنعام، ۱۱؛ آل عمران، ۱۳۷؛ الحج، ۴۶؛ النمل، ۶۹؛ العنكبوت، ۲۰؛ الروم، ۹ و ۴۲؛ فاطر، ۴۴؛ غافر، ۲۱ و ۸۲؛ محمد، ۱۰.

۹. و كان سلمان الفارسی رائد المسلمین و راعیهم. دعا أهل بهر سیر ثلاثا، و أهل القصر الأبيض ثلاثا. و اتخذ سعد ایوان کسری مصلی، و لم یغیر ما فیہ من التمثیل، و لما دخل الإیوان، قرأ: «كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ. وَ نَعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَكَهِنَ. كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِينَ» و صَلَّى فِيهِ صَلَاةَ الْفَتْحِ ثَمَانِي رَكَعَاتٍ لَا يَفْصَلُ بَيْنَهُنَّ وَ أتمَّ الصَّلَاةَ لِأَنَّهُ نَوَى الْإِقَامَةَ، وَ كَانَتْ أَوَّلَ جُمُعَةٍ أُقِيمَتْ بِالْمَدَائِنِ فِي صَفَرِ سَنَةِ سِتِّ عَشْرَةَ (طبری، ۱۹۷۶م: ۱۵/۴ و ۱۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ۵۱۲/۲؛ نویری، ۱۴۲۳: ۱۹/۲۲۶).

گم شده است. بخش بزرگی از منابع شیعی که در فهرست اسما مصنفی الشیعه نجاشی آمده است، امروز در دست نیست.

۲۱. دوره کامل این کتاب در سال ۱۹۳۸ مسیحی پس از ۲۰ سال تلاش مداوم پروفسور آرتر آپم پوپ و فیلیس اکرمین و با همکاری ۵۶ تن از هنرشناسان و ایرانشناسان نامدار عصر انتشار یافت و در سال ۱۹۶۴ و ۱۹۷۷م تجدید چاپ شد. کتاب اصلی مشتمل بر ۱۳ جلد است که ۶ جلد آن حاوی متن مقاله‌هاست در ۶۹ فصل و ۹۲ مقاله همراه با ۹۶۷ طرح سیاه قلم گرافیک. جلد‌های هفت‌گانه لوح‌ها (جلدهای ۷ تا ۱۳) نیز محتوی حدود ۳۵۰۰ تصویر رنگی و سیاه و سفید است. در جلد‌های اول و دوم و هفتم و هشتم به هنرهای ایرانی پیش از اسلام پرداخته شده است و دیگر جلد‌ها اختصاص به هنرهای دوران اسلامی دارد. علاوه بر پانوشت‌هایی که مترجمان و ویراستاران و دفتر سرویاستاری افزوده‌اند، دو جلد دیگر (جلد ۱۴ و ۱۵) نیز به همت متخصصان ایرانی تدوین شده است.

The Grove Encyclopedia of Islamic Art & Architecture, Jonathan Bloom, Sheila Blair, Oxford سایت <http://clisel.com/?p=7358> نک:

۲۳. نک: سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، از سیدجمال تراب طباطبایی و منصوره وثیق؛ سکه‌های ایران زمین، اثر موزه موسسه کتابخانه ملی ایران؛ سکه‌های ایران زمین، از موسسه و موزه ملی کتابخانه آستان قدس رضوی، به کوشش سیدعلی اصغر شریعت‌زاده.

۲۴. ...أصاب عمر أرضا بخبير فأتى النبي. ص. فاستأمره فيها فقال: أصبت أرضا بخبير لم أصب مالا قط أنفس عندي منه. فما تأمر به؟ قال: إن شئت حبست أصلها و صدقت بها.

۲۵. الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا

گردآوری و صحت استناد آن‌ها را به پیامبر(ص) بررسی و نقد کرده است.

۱۵. رضا الهامی در مقاله «بررسی حکم فقهی مجسمه‌سازی»، دیدگاه فقهای شیعه را به پنج گروه تقسیم کرده است: حرمت تصویر و تجسم (نگارگری و پیکرتراشی) به طور مطلق، جواز تجسیم و تصویر به طور مطلق، حرمت تجسیم به طور مطلق و جواز تصویر به طور مطلق، حرمت تجسیم و تصویر جاندار، حرمت تجسیم جاندار (الهامی، ۱۳۸۱: ۶۰).

۱۶. نک:

<http://portal.anhar.ir/node/2965#gsc.tab=0>

این سایت در معرفی فتاوی فقهای معاصر تا حدودی جامع و به روز است.

۱۷. نک: اجوبه الاستفتائات رهبری در سایت رهبری با آدرس:

<http://www.leader.ir/tree/index.php?catid=11>

ایشان در مجموعه موسوم به رساله اجوبه الاستفتاءات ذیل سؤال ۱۲۲۱ تصریح کرده‌اند که ساخت مجسمه انسان یا سایر حیوانات به صورت کامل اشکال دارد؛ هر چند خرید و فروش و نگهداری نقاشی و مجسمه و ارائه آن به نمایشگاه اشکال ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۲۶۸).

۱۸. نک: سایت اطلاع‌رسانی آیت‌الله جناتی

<http://jannaati.com/far/index.php?page=>

۱۹. نک: سایت صراط:

<http://www.seratnews.ir/fa/news/9245>

۲۰. از باب مثال ما از تفصیل فتاوی عمانی و ابن جنید، دو تن از فقهای قدیمی... خبر نداریم. به طور تقریبی صددرصد آثار محمدبن مسعود عیاشی که در فهرست بن ندیم به ده‌ها اثر فقهی و تفسیری و حدیثی می‌رسد،

. طباطبایی، سیدجمال تراب و منصوره وثیق، (۱۴۲۳ق)،
الغایة القصوی، ترجمه شیخ عباس قمی، ج ۱، قم: صحیح
پیروزی.

. عزیز، حسین، (۱۳۹۱)، نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح
در سه قرن اول هجری با رویکرد فتوح ایران، قم:
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب،
ج ۱۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

. کاشف الغطاء، جعفر، (۱۳۸۶)، منهج السداد لمن اراد الرشاد،
ترجمه محمد تقدیمی صابری، مشهد: آستان قدس رضوی.
. کریمی زنجانی اصل، محمد، (۱۳۸۵)، دارالعلم های شیعی،
تهران: اطلاعات.

. مالکی، القاضی عیاض بن موسی بن عیاض، (۱۳۸۹ق/۱۹۷۰م)،
الماع إلى معرفة أصول الروایة و تقييد السماع، تحقیق
السیداحمد صقر، قاهره و تونس: دارالتراث و المكتبه
العتیقه.

. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م)، بحار الانوار، ج ۷۶،
بیروت: دارالوفاء.

. محمدرضا، (۱۳۸۰)، نگاهی به گنجینه موزه ملی ایران،
تهران: سازمان میراث فرهنگی.

. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۶ق)، انوار الفقاهه (کتاب
التجاره)، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.

. -----، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، ج ۳، ۵، ۸،
تهران: دارالکتب السلامیه.

. -----، و همکاران، (۱۴۲۷ق)، دائرة المعارف
فقه مقارن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.

. نلسون، کریستیا، (۱۳۹۲)، هنر قرائت قرآن، ترجمه و تحقیق
دکتر محمدرضا ستوده نیا و زهرا جان نثاری لادانی، تهران:
زمان نو.

. النویری، شهاب الدین احمد بن عبد الوهاب، (۱۴۲۳ق)،
نهاية الارب فی فنون الادب، ج ۱۹، قاهره: دارالکتب و
الوثائق القومیه.

رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ
صَوَامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ
كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ
(الحج، ۴۰)؛ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ
فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ.

کتابنامه

الف. کتاب های فارسی

. باستانی، امیر، (۱۳۸۷)، «مطالعه تطبیقی نهاد وقف و
تراست از لحاظ مال»، مجموعه مقالات همایش وقف و
تمدن اسلامی، ج ۱، تهران: اسوه.

. پاشا، احمد تیمور پاشا، (۲۰۱۲)، کتاب الاثار النبویه، قاهره:
موسسه هندوای للتعلیم و الثقافه.

. پوپ، آرتور آپم و فیلیس اکرم، (۱۳۸۷)، سیری در هنر
ایران، تهران: علمی و فرهنگی.

. تبریزی، جواد، (۱۴۱۶ق)، ارشاد الطالب الی التعلیق علی
المکاسب، ج ۳، ج ۱، قم: اسماعیلیان.

. خمینی، روح الله، (۱۳۷۰ش)، صحیفه نور، تدوین سازمان
مدارک انقلاب اسلامی، ج ۲۱، تهران: ارشاد.

. ری شهری، محمد، (۱۳۸۷)، فرهنگ مسجد، قم: دارالحدیث.

. سازمان اوقاف و امور خیریه و بانک توسعه اسلامی،
(۱۳۸۷)، مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، ج ۳،
تهران: اسوه.

. سبحانی، جعفر، (۱۳۶۷)، منشور جاوید، ج ۶، قم: دارالقران
الکریم.

. صدرایی خویی، علی، (۱۳۸۷)، «وقف کتاب و کتابخانه در
تمدن اسلامی»، مجموعه مقالات همایش وقف و تمدن
اسلامی، ج ۳، تهران: اسوه.

. طباطبایی، سیدجمال تراب و منصوره وثیق، (۱۳۷۳)،
سکه های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، تهران:
کتابخانه ملی ایران. سایت سکه ها، (www.sekeha.com).

ب. کتاب های عربی

- ابن الاثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن ابی‌الکرم المعروف به ابن الاثیر، (۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م)، الكامل فی تاریخ، ج ۲ و ۵، بیروت: دار صادر، دار بیروت.
- ابن الجزری، شمس‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد، (۲۰۰۶م/۱۴۲۷ق)، غایة النهایه فی طبقات القراء، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن علی، (۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م)، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۸، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حزم، ابومحمد علی بن احمد، (۱۴۲۲ق)، المحلی، ج ۹، بیروت: دارالفکر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م)، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، تحقیق خلیل شحاده، ط الثانية، بیروت: دارالفکر.
- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی، (۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م)، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن الطقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، (۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م)، الفخری فی الاداب السلطانیه و الدول الاسلامیه، تحقیق عبدالقادر محمد مایو، بیروت: دارالقلم العربی.
- ابن العربی، محی‌الدین، (۲۰۰۱ق)، محاضرة الابرار و مسامره الاخيار، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابو حامد بن مرزوق، (۱۳۹۶ق/۱۹۶۷م)، التوسل بالنبی و جهله الوهابیین، ترکیا: مکتبه ایشیق.
- الاحمدی میانجی، علی، (۱۴۲۲ق)، التبرک، تهران: مشعر.
- الاندلسی، ابو حیان، (۱۴۲۲)، البحر المحیط، تحقیق
- الشیخ عادل احمد عبدال موجود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الجصاص، احمد بن علی اللرازی، (۱۴۱۵ق)، احکام القرآن، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الحلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن، (۱۴۰۵ق)، الجامع للشرایع، قم: موسسه سیدالشهداء العلمیه.
- الحموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله، (۱۹۹۵)، معجم البلدان، ج ۱ و ۴، ط الثانية، بیروت: دار صادر.
- الخزاعی، علی بن محمد، (۱۴۱۹ق)، تخریج الدلالات السعیه، بیروت: دارالغرب.
- الخطیب بغدادی، احمد بن علی، (۱۴۲۶ق)، تقييد العلم، بیروت: صیدا، المکتبه العصریه.
- السدرویش، احمد بن عبدالرزاق، (۱۴۰۹ق)، فتاوی اللجنة الدائمہ للبحوث العلمیه و الافتاء، ج ۱، الرياض، بی نا.
- الذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، (بی تا)، میزان الاعتدال، تحقیق علی بن داود بجاوی، ج ۴، لبنان: دارالمعرفه.
- الرازی، ابوحاتم، (۱۳۷۲)، الجرح و التعديل، ج ۱، حیدرآباد دکن: مطبعة مجلس دائرة المعارف الثمانیه.
- الزینی دحلان، احمد، (۱۳۸۵ق)، الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیه، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده بمصر.
- السبکی، تقی‌الدین، (۱۴۱۹ق)، شفاء السقام فی زیارة خیر الانام، تحقیق السید محمد رضا جلالی، تهران: مشعر
- الشوکانی، محمد بن علی، (۱۴۱۴ق)، فتح القدير، ج ۲، بیروت و دمشق: دار ابن کثیر و دار الکلم الطیب.
- السمعانی مروزی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد، (۱۴۰۹ق/۱۹۸۹)، ادب الاملاء و الاستملاء، بیروت: در و مکتبه الهلال.

- . السمهودی، علی بن عبدالله، (۱۳۷۶)، خلاصه، وفاء الوفاء
باخبار دار المصطفی، ترجمه سیدکمال حاج سید
جوادی، تهران: مشعر.
- . السیدرضی، ابوالحسن محمد، (۱۳۸۷)، نهج البلاغه،
تحقیق الصبحی صالح، بیروت: بی نا.
- . الشامی صالحی، محمد بن یوسف، (۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م)،
سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، تحقیق
عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، بیروت:
دارالکتب العلمیه.
- . الصدوق، محمد بن علی بن الحسین، (۱۴۱۳ق)، من
لا یحضره الفقیه، ج ۴، قم: اسلامی.
- . الطبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان، ج ۱،
تهران: ناصر خسرو.
- . الطبری، محمد بن جریر بن رستم، (۱۹۷۶ق)، اخبار الامم و
الملوک، بیروت: دارالمعرفه.
- . الطوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق)، المیسوط فی
فقه الامامیه، ج ۱ و ۳، تهران: المکتبه المرتضویه
لاحیاء الاثار الجعفریه.
- تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مصحح احمد عاملی و احمد حبیب، ج ۱، بیروت:
احیاء التراث.
- محمد باقر بهبودی، ج ۳، بی جا: المکتبه الرضویه لاحیاء
الاثار الجعفریه.
- . آل غازی، ملاحویش عبدالقادر، (۱۳۸۲ق)، بیان المعانی،
ج ۳، دمشق: مطبعه الترقی.
- . الفارسی، ابوعلی، (۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م)، الحجه للقراء
السبعه، ج ۲، بیروت: ۱۴ دارالمأمون.
- . الفاسی المکی، تقی الدین، (۱۳۸۶)، شفاء الغرام
بأخبار البلد الحرام، مترجم محمد مقدس، تهران: مشعر.
- . القرطبی، محمد بن احمد انصاری، (۱۴۰۵ق)،
الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، بیروت:
داراحیاء التراث العربی.
- . الکردی، محمد طاهر بن عبدالقدر، (۲۰۱۲/۱۳۹۱م)،
تبرک الصحابه باثار رسول الله صله الله علیه وآله و بیان
فضله العظیم، جده: دارالمنهاج.
- . المطیعی، محمد بخیت، (۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م)، تطهیر الفؤاد
من دنس الاعتقاد، استانبول: مکتبه الحقیقه.
- . المقریزی، تقی الدین احمد بن علی، (بی تا)، شذور العقود
فی ذکر النقود، ش ۲۱۷۰، ص ۳ تا ۵، تصویر نسخه خطی.
- . النجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، ج ۲۲،
بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- . النووی، ابوزکریا محیی الدین بن شرف، (بی تا)، المجموع
نووی، ج ۱۶، بیروت: دارالفکر.
- . النویری شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب، (۱۴۲۳ق)،
نهایه الأرب فی فنون الأدب، القاہره، دارالکتب
والوثائق القومیه.
- . الیزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۰۹ق)، العروۃ الوثقی فیما
تعم به البلوی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- . الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح
الکاتب العباسی، (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، بیروت:
دارصادر.
- ج. مقاله
- . الهامی، رضا، (۱۳۸۱)، «بررسی حکم فقهی
مجسمه سازی»، مجله مقالات و بررسیها، ش ۷۲،
ص ۱۵۵ تا ۱۷۷.
- . بابایی، رضا، (۱۳۹۰)، «وقف میراث جاویدان، مقاله
وقف از چشم انداز نشانه شناسی»، مجله وقف میراث
جاویدان، ش ۷۴، ص ۱۵ تا ۳۶.
- . تفرشی، عیسی و اصغر محمودی، (زمستان ۱۳۸۳)،
«تجزیه و تحلیل تراست در حقوق انگلیس و مقایسه

- آن با نهاد وقف در حقوق ایران»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱۳، ص ۱۹ تا ۴۶.
- حیدری، حسین و خدیجه کاردوست، (بهار ۱۳۹۲)، «مبانی، عوامل و گستره وقف و شبه وقف در یهودیت با تأکید بر عهد عتیق»، مجله وقف میراث جاویدان، ش ۸۱، ص ۱۷ تا ۵۲.
- صادق‌زاده علی، اعظم نجفقلی، (۱۳۹۱)، «نگاهی به وقف کتاب در ایران و اسلام»، مجله وقف میراث جاویدان، ش ۷۹ و ۸۰، ص ۴۵ تا ۶۶.
- عبداللطیف مشهور، نعمت، (۱۳۸۹)، «بررسی مؤسسات وقفی در برخی از کشورهای غیراسلامی»، مجله وقف میراث جاویدان، ش ۷۰، ص ۶۵ تا ۲۰۲.
- گائینی، محمد رضا (۱۳۹۱) «پیشینه و کارکرد وقف در اسلام و تاریخ تمدن اسلامی»، مجله وقف میراث جاویدان، ش ۷۹ و ۸۰، ص ۶۷ تا ۱۰۰.
- ملک افضل، محسن و حامد درون‌پرور، (۱۳۹۲)، «جایگاه و نقش وقف در توسعه فرهنگی»، مجله وقف میراث جاویدان، ش ۸۳، ص ۱۹ تا ۳۴.
- وافی، عبدالمجید، (۱۳۸۷)، «موقف الاسلام من الفنون»، مجله الوعي الاسلامی، ش ۳۶، ص ۵۲ تا ۵۸.

د. سایت‌ها

سایت <http://clisel.com/?p=7358>

سایت اطلاع‌رسانی آیت‌الله جناتی:

<http://jannaati.com/far/index.php?page=6>

سایت انهار:

<http://portal.anhar.ir/node/2965#gsc.tab>

سایت آپارات:

<http://www.aparat.com/v/Nxjoh>.

سایت رهبری:

<http://www.leader.ir/tree/index.php?catid=11>

سایت صراط:

<http://www.seratnews.ir/fa/news/9245>

